



ت جنک

شاه افسری

۱۳۲۱-۱۳۲۲ عده داوطلب که واجد شرایط مشروح

یکار میباید. ۱. خردآنان تاریخچه شان را نمی دانند. پیشروانشان برای قریب مردم يك تاريخهای دروغی ساخته اند و سلسله های خود را بامام علی بن ابیطالب و خلیفه ابی بکر و دیگران منسب ساخته اند. و چنین می گویند که پیغمبر اسلام گذشته از هدایتی که برای همگی مردمان آورده يك آنگاههای خاصی دستورهای خاصی بپیرگزیده گانی از یاران خود داده که از آنها دست بدست با رسیده ولی این دروغیست که ساخته اند.

صوفیگری دیست سال پس از اسلام پیدا شده. و آنگاه صوفیگری یکسره با اسلام سازگار است. از آنسوی بزرگان صوفیان خود را بالاتر از پیغمبران می پنداشته اند. زیرا يك قطب در پیش آنها کسیت که جهات یا دستور وی می گردد و شکست است که چنین کسی خود را بالا تر از پیغمبران شمارد.

تاریخچه صوفیان چنانکه برخی دانشمندان چست و بدست آورده اند، چنین است: چون در قرن دوم اسلام فلسفه یونان بر پی ترجمه گردید و انتشار یافت این بدآموزی نیز از آن سرچشمه گرفت: نلسون یونان و روم که هر کدام در باره خدا و جهان و آخرت، یگمان و پندار سخنانی سروده اند، یکی هم بنام پلوتینوس چنین گفته است: «ما به از خداییم، از جدا گشته ایم و سپس بسوی او باز خواهیم گشت و بسوی باز خواهیم پیوست». همو گفته است: «روان آدمی از آنجهان آزاد و بی آلاش فرود آمده و در این جهان گرفتار مانده گردیده و آلودگیها پیدا کرده. لیکن هر کسی که بخواهشهای تنی نبردازد و بیروزش روان بر خیزد آلاش او کمتر خواهد بود، و کسانیکه بخواهند از این داسگه باز روند و بجای پیش باز گردند باید از خوشبهای این جهان دامن در چینه و پارسا باشند».

اینجا سخنانی است که از پلوتینوس می آورند. نوشته اند خود او مرد بارسا و نیکی بوده. اما سخنانش این جله هایی که در باره روان آدمی گفته چندان بیهوده نیست. فرود آمدن روان از یکجهان آزاد و بی آلاش همانست که ما بنام «جان و روان» یاد کردیم. این راستست که روان از جهان مادی نیست. اما اینکه آدمی بخواهشهای تنی نبردازد و از خوشبهای این جهان دامن در چینه و اگر چنین کرد روانش از دامگه مادی آزاد میگردد و بجایگاه نخستین خود می پیوندد راست نیست. زیرا خواهشهای تنی و خوشبهای این جهان چه زبانی با چه بدی دارد که آدمی از آن دامن در چینه و یکی از خواهشهای تنی زن گرفتن است، دیگر خوراکیهای لذیذ خوردنست، دیگری خوابیدن و آسودن است، دیگری دیدن و تماشاکردن است، اینجا چه بدیهایی دارد که آدمی از آن دامن در چینه و؟ آنچه آدمی باید برهیز کند و خود را بکه دارد خوبهای پست حیوانی است، از شتم و کینه و رشک و کشاکش و ستم و خودخواهی و خود فروشی و چاپلوسی و ممانند اینها. از اینهاست که باید برهیز کرد و ما یزشرح خواهیم داد، نه از خواهشهای تنی و خوشبهای این جهانی، و آنگاه از دامن در چینه از خواهشهای تنی و خوشیهای این جهانی روان از دامگه مادی آزاد نگردد، چنین نتیجه ای از آنها نتوان گرفت. آدمی نا زنده است و روانش با تن و جان مادی در یکجاست و جدایی بیمناسبت. چیزی که هست باید بکوشد و روان را بیرونده گرداند که رشته اختیار در دست او باشد نه در دست تن و جان مادی. این است ایرادی که بسن دوم پلوتینوس وارد میباید.

اما سخن نخست پلوتینوس یکبار بیمناسبت، چگونه ما از خداییم؟ چگونه از خدا جدا گشته ایم و باو باز خواهیم گردید؟ ما کجا و خدا کجا؟ آفریدگان کجا و آفریدگار کجا؟ این سخن دلیلی نیست. آری سخن باین بزرگی دلیل نمیشود. اما اساسا بقدا از چه راه بی برده ایم؟ از این راه بی برده ایم که دیده ایم جهان میگردد و اختیاری از خودش ندارد. خودمان را ستیجیده دیده ایم این جهان بی اختیار آمده ایم و بی اختیار میرویم. از اینجا ناگزیر شده گشته ایم پس یکدستگه دیگری در پشت سر اینجهان هست و یکدهای توانایی می باشد که اختیار ما و همه جهان در دست اوست پس اکنون چگونه بگویم ما با آن خدا یکی میباشیم؟ اگر ما خدا توانستیم بودجه نیازی بقدا میداشتم. هر چه هست این سخن بی یاست و پلوتینوس نالیده و نا اندیشیده آنرا بزیان آورده.

هر چه هست سخن پلوتینوس چون بر آگنده گردیده دستاویز بدست یکدسته هوسنمندیان داده که بدعوی خدایی بردانند و ولیگردان بازار بقدا «لیس فی جیبی الا الله» گویند و بخود بالند و دست از کار و پیشه و خاندان خود کشیده بنام آنکه از جهان و خوشبهایش چشم پوشیده ایم در خانقاهها گرد آیند و بیبکاری روزگزارند و با کدابی و در یوزه گردی شکم خود را سیر سازند.

نمونه ای از پراکندگی اندیشه ها

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

چاچخانه تابان تهران

بهای اشتراک
سالانه ۳۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال
سه ماهه ۵۰ ریال
بهای آگهی
هر سطر: صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

جای اداره
خیابان لاله زار کوچه مهران بازار بهشتیاری
لایق ۶۰۴۶
تک شماره ۵۰ دینار

در باره صوفیان و درویشان

- ۲ -

اکنون ببینم صوفیان چه میگویند. ۱. چرا خود را از مردم بکنار میگیرند. ۲. بچه دستاویزی بیکار میبندند. ۳. خردآنان تاریخچه شان را نمی دانند. پیشروانشان برای قریب مردم يك تاريخهای دروغی ساخته اند و سلسله های خود را بامام علی بن ابیطالب و خلیفه ابی بکر و دیگران منسب ساخته اند. و چنین می گویند که پیغمبر اسلام گذشته از هدایتی که برای همگی مردمان آورده يك آنگاههای خاصی دستورهای خاصی بپیرگزیده گانی از یاران خود داده که از آنها دست بدست با رسیده ولی این دروغیست که ساخته اند.

صوفیگری دیست سال پس از اسلام پیدا شده. و آنگاه صوفیگری یکسره با اسلام سازگار است. از آنسوی بزرگان صوفیان خود را بالاتر از پیغمبران می پنداشته اند. زیرا يك قطب در پیش آنها کسیت که جهات یا دستور وی می گردد و شکست است که چنین کسی خود را بالا تر از پیغمبران شمارد.

تاریخچه صوفیان چنانکه برخی دانشمندان چست و بدست آورده اند، چنین است: چون در قرن دوم اسلام فلسفه یونان بر پی ترجمه گردید و انتشار یافت این بدآموزی نیز از آن سرچشمه گرفت: نلسون یونان و روم که هر کدام در باره خدا و جهان و آخرت، یگمان و پندار سخنانی سروده اند، یکی هم بنام پلوتینوس چنین گفته است: «ما به از خداییم، از جدا گشته ایم و سپس بسوی او باز خواهیم گشت و بسوی باز خواهیم پیوست». همو گفته است: «روان آدمی از آنجهان آزاد و بی آلاش فرود آمده و در این جهان گرفتار مانده گردیده و آلودگیها پیدا کرده. لیکن هر کسی که بخواهشهای تنی نبردازد و بیروزش روان بر خیزد آلاش او کمتر خواهد بود، و کسانیکه بخواهند از این داسگه باز روند و بجای پیش باز گردند باید از خوشبهای این جهان دامن در چینه و پارسا باشند».

اینجا سخنانی است که از پلوتینوس می آورند. نوشته اند خود او مرد بارسا و نیکی بوده. اما سخنانش این جله هایی که در باره روان آدمی گفته چندان بیهوده نیست. فرود آمدن روان از یکجهان آزاد و بی آلاش همانست که ما بنام «جان و روان» یاد کردیم. این راستست که روان از جهان مادی نیست. اما اینکه آدمی بخواهشهای تنی نبردازد و از خوشبهای این جهان دامن در چینه و اگر چنین کرد روانش از دامگه مادی آزاد میگردد و بجایگاه نخستین خود می پیوندد راست نیست. زیرا خواهشهای تنی و خوشبهای این جهان چه زبانی با چه بدی دارد که آدمی از آن دامن در چینه و یکی از خواهشهای تنی زن گرفتن است، دیگر خوراکیهای لذیذ خوردنست، دیگری خوابیدن و آسودن است، دیگری دیدن و تماشاکردن است، اینجا چه بدیهایی دارد که آدمی از آن دامن در چینه و؟ آنچه آدمی باید برهیز کند و خود را بکه دارد خوبهای پست حیوانی است، از شتم و کینه و رشک و کشاکش و ستم و خودخواهی و خود فروشی و چاپلوسی و ممانند اینها. از اینهاست که باید برهیز کرد و ما یزشرح خواهیم داد، نه از خواهشهای تنی و خوشبهای این جهانی، و آنگاه از دامن در چینه از خواهشهای تنی و خوشیهای این جهانی روان از دامگه مادی آزاد نگردد، چنین نتیجه ای از آنها نتوان گرفت. آدمی نا زنده است و روانش با تن و جان مادی در یکجاست و جدایی بیمناسبت. چیزی که هست باید بکوشد و روان را بیرونده گرداند که رشته اختیار در دست او باشد نه در دست تن و جان مادی. این است ایرادی که بسن دوم پلوتینوس وارد میباید.

اما سخن نخست پلوتینوس یکبار بیمناسبت، چگونه ما از خداییم؟ چگونه از خدا جدا گشته ایم و باو باز خواهیم گردید؟ ما کجا و خدا کجا؟ آفریدگان کجا و آفریدگار کجا؟ این سخن دلیلی نیست. آری سخن باین بزرگی دلیل نمیشود. اما اساسا بقدا از چه راه بی برده ایم؟ از این راه بی برده ایم که دیده ایم جهان میگردد و اختیاری از خودش ندارد. خودمان را ستیجیده دیده ایم این جهان بی اختیار آمده ایم و بی اختیار میرویم. از اینجا ناگزیر شده گشته ایم پس یکدستگه دیگری در پشت سر اینجهان هست و یکدهای توانایی می باشد که اختیار ما و همه جهان در دست اوست پس اکنون چگونه بگویم ما با آن خدا یکی میباشیم؟ اگر ما خدا توانستیم بودجه نیازی بقدا میداشتم. هر چه هست این سخن بی یاست و پلوتینوس نالیده و نا اندیشیده آنرا بزیان آورده.

هر چه هست سخن پلوتینوس چون بر آگنده گردیده دستاویز بدست یکدسته هوسنمندیان داده که بدعوی خدایی بردانند و ولیگردان بازار بقدا «لیس فی جیبی الا الله» گویند و بخود بالند و دست از کار و پیشه و خاندان خود کشیده بنام آنکه از جهان و خوشبهایش چشم پوشیده ایم در خانقاهها گرد آیند و بیبکاری روزگزارند و با کدابی و در یوزه گردی شکم خود را سیر سازند.

نمونه ای از پراکندگی اندیشه ها

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

راه صرفه جوئی

آقای کسروی دارند روزنامه گرامی پرچم شرحی زیر عنوان (قابل توجه کمسیون بودجه) با مضامین ش دوج شده بود که از اصلا اهدیت موضوع بسیار جالب توجه و بنده را هم وادار نمود بنوبه خود در زمینه بخشدارها که بلانرید در بخشهای این کشور درو اس ادارات زیادی قرار گرفته اند توضیحاتی بدهم. مدتی است دولت در صدد صرفه جوئی در هزینه کشور میباید و در نظر دارند هزینه های زائد را از بودجه کشور حذف نمایند ولی تا امروز انجام این امر بر حله عمل نرسیده و هر اقدامی شده است محدود بنذا کره و شور موضوع بوده است شاید علت تاخیر در انجام موضوع این باشد که هنوز هزینه زاید بر ثروت مجهول است و نتوانسته اند بطوریکه باید هزینه ضروری از غیر ضروری تفکیک بشایند اگر سبب تاخیر این است بنده اکنون در انجام امر کمک خواهم نمود و یکی از راههای صرفه جوئی را ارائه خواهم داد بنظر اینجانب اولین اقدامی که بنظرم صرفه جوئی باید عملی شود برچیده شدن ادارات بخشدار است

اقتصادمیکه در بخشهای کشور مأموریت داشته و در زمینه کار بخشدارها مطالباتی نموده اند میباید که وجود این آقایان بخشدارها گذشته از اینکه سودی برای کشور و مردم ندارد زیان های بسیار زیادی بدارات دولتی و جاهه ممبرساند که هر گاه بخواهم تمام راضی بدهم موضوع کلام بسیار طولانی خواهد بود.

بنابر این فعلا بطور اختصار آنچه شخصا در محل مشاهده کرده ام برای اطلاع مینوسم در بخش های کشور آنچه از وجود بخشدارها ساخته است تفنین بین ادارات دولتی و ایجاد مناقشه و کشمکش بین کارمندان ادارات است. همین کشمکشها هم باعث میشود که کارهای ادارات در بخشها معوق و ارباب رجوع در زحمت میبایند این وضعیت مخصوصا از وقتی که کاملاً مشهود شده است که وزارت کشور کلاس بخشدار سازی دایر نموده و هر بیسواد و لکدری را پس از یکی دو ماه نگاهداری در جوان کارخانه بخشدار سازی بنقاط کشور میفرستد و در حقیقت مقررات هزارها نفر را بدست او میسپارد کسی تا کنون از وزارت کشور تیر رسیده است آخر

این بخشدار را که اغلب جوانی است بیست الی بیست و چهار ساله و دارای پایه يك اداری میباید برای چه ببلان بخش کشور میفرستند این جوان که هیچگونه اطلاع اداری و معلومات و تجربه ای ندارد کدام درد کشور و مردم را میتواند دوا کند یعنی وزارت کشور میخواهد بگوید چنین جوانی سرپرست ادارات محل خواهد بود اگر چنین بگویند بی انصافی بکجه بیسواد و بی تجربه ای چگونه میتواند سیادت خود را بر سایر روسای ادارات که اغلب کارمندان بلند پایه و با تجربه ای هستند تحمیل بنماید.

مگر ادارات يك بخش وزارتخانه و اداره مرکزی دارند و از ادارات متبوع خود دستور نمیگیرند پس دیگر بخشدار چه عنوانی دارد و وظایف او چیست اگر بگویند نظم شهر یا غار سر شهر را برعهده دارد میگویم پس شهربانی و امنیه چه کاره هستند خواهند گشت بخشدار شش شهر دار هم هست بنده میلازمه ام که در يك بخش هیچوجه بخشدارها بکار شهر دار ها رسیدگی نمیکنند زیرا همین نام بخشداري که جانشین کله (حکومت) سابق است بطوری ایجاد نرغم و غرور در آنها میباید که ابد شایسته خود نمیدانند در امر نظارت و روشنائی شهر مداخله و رسیدگی می نمایند آن جوان بی تجربه که از طرف وزارت کشور بسمت بخشداري ببلان بخش روانه میشود بعضی خدمت و نشستن پشت میز و تحویل گرفتن چهار چله (حشرت حاکم) (چتاب حکومت) و غیره خیال میکند هیچ تفاوتی بین او و ظل السلطان موجود نیست آن يك حکومت بوده است این هم يك حکومت است ببلانزنگ تغییر اخلاق میباید و وظایف ادارات محل مداخلات بیجا و بی رویه ای نمیباید که بلافاصله تولید منازعه و کشمکش میشود آنوقت است که وقت وزارتخانه ها و ادارات شهرستانها بکتابت بیجای بخشدار باید تلف بشود و يك مشت ضرر و زیان بکشور عاید گردد در اینصورت خوب است رسیدگی شود به چنین کدما يك از موانع قانون عمران بوسیله این آقایان بخشدارها اجراء و عملی شده است کدام جاده قریص را ساخته اند کدام باطلان زحکشت شده است و آن شاه رعیتی را که ساخته اند کدام است وای اگر دقتی شود خواهیم دید که پرونده ها بر اثر شکایات و مکاتبات بیورد بخشدار ها تشکیل گردیده و وقت زیادی صرف اراجیف نویسی بخشدارها که بقصد خودشان رئیس ادارات هستند شده است من از آقای وزیر کشور میپرسم آقای وزیر مگر خودتان در تهران رئیس وزارتخانه ها هستید که متوقع هستید مأمورین شما در شهرها رئیس ادارات باشند - ادارات اولاً رئیس برای چه می خواهند اینها هر کدام وزارتخانه دارند و از مراکز خود دستور میگیرند آنوقت دیگر این جوانهای پایه يك و بی سواد که فقط مابه تنك میباشند چه وظیفهای جز تفنن بین ادارات می توانند انجام دهند ما در اینجا بیش از این موضوع را طول نمیدهیم برچیده شدن ادارات بخشداري را چه از دولت میخواهم در آنوقت نیز در این زمینه چیزهای خواهم نوشت.

خبر شهر آراش

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آزادگان

۳ - مرام آزادگان

بند نهم

ترویج کشاورزی و اساس زندگانی قرار دادن آن و کوششی به بزرگسوی آبادی دهات و کمی ثلوات میانه آنها با شهر ها

به اهمیت کشاورزی در قسمت ثروت اشاره کرده گفتیم: ثروت چههایی است که رفع احتیاجات بشرا بکنند و احتیاجات عمده بشر هم مواد خوراکی و پوشاکی است که از زمین و بوسیله کشاورزی بدست می آید.

پس چنانکه از آزادگان آن را اساس زندگانی قرار دادند و در ترویج آن بکوشند خوشبختانه کشور ما نیز سرزمین کشاورزی بوده با وجود زمین های پهناور و زروعی و داشتن هوای معتدل و دارا بودن سایر مواعب طبیعی با آنکه توجهی به بهبودی اصول کشاورزی بزرگترین قائله را میتوان از خاک زرخیز آن نمود.

ولی با این همه خصوصیات می بینم که کشاورزی در ایران رو به کمی گذاشته تا بعدی رسیده است که با آنهمه زمین های زراعتی حتی قوت نیازده میلیون نفوس خود را نیز نمیتواند تأمین کند و از حیث ارزاق در فشار و سختی میباید.

این چیز است که همه متوجه آن بوده در روزنامه ها نیز هر روز بحث در اطراف آن نموده و بی دریغ مینویسند که باید از کشاورزان تشویق کرد و اهمیت بسزایی به این امر حیاتی داد ولی آنچه راه و بجه طریق معلوم نیست.

آزادگان علت اساسی این عدم رغبت مردم را بدنه نشینی و کشاورزی و کمی زراعت و چاره آنها را چنه چیز میدانند که آنها را مرام خود قرار داده اند و حق هم همین است که تا آنها از بین نرفته و آن چاره اندیشیها صورت نگیرد نباید چشم براه فزونی فلاحت داشت.

یکی از علت های بزرگ این کار و موضوع دهمداری در ایران است باید بکوشد اصلاحات اساسی در این باره بعمل آید و بالاخره تکلیف ده نشین با دهمدار معلوم شود.

يك نفری که در تهران نشسته و هیچگونه تأثیری وجود آن در آزادی و بهره برداری جانی ندارد چگونه باید صاحب ده و مالک اراضی دهاتیان گردد. برعکس دهاتی بیچاره که از صبح تا شام مشغول جان کندن در راه شخم کردن و بفرافشاندن و آبیاری و عرقگیری و دود و غرقن کوبی و جمع آوری محصول است حتی قوت سالیانه خود را نیز از غر آورده خود مالک نبوده هه اش و تحویل ارباب بدست که آنهم در شهر یا فرزندانش خود مشغول عیش و نوش باشد.

باید در قدم اول این قسمت را روشن نمود و بدین قوانین تکلیف طرفین را روشن کرد تا دهاتی که مولد ثروت است بتواند با دلگرمی مشغول کشت و کار خود باشد و باید در این قسمت همان موضوع « زمین آن دارده که کارد » را بکار بست و دهاتی را راحت کرد.

یکی دیگر از علت های اساسی غریبی دهات عدم توجه بآنها و تفاوت زیادی است که میانه دهات با شهرها گذاشته میشود.

البته در همه جای دنیا تفاوت میانه شهرها با دهات بوده و نبی شود بکلی آن تفاوت را برداشت و هر دو را یکسان کرد ولی چیزی که است آنست تفاوت زیاد برتری باشد که دیگر دهاتی کعبه شهر میباید و شعر را می بیند رغبت بدنه نشینی نه کرده و برای همیشه ترك ده خود را گوید. دهی که برق ندارد سینما و رادیو و وسایل تفریح ندارد سهل است دکتر و دوا و دندان ساز و قلابه و مدرسه و حمام و محک و چه و چه و چه که اگر بشما بگویم از صدها هزار ها تاجار و میکند ندارد آیا میتوان در آتیا زندگانی کرده و با پشت گرمی مشغول کار باشند.

دهاتی که از قسمت عمده لوازم زندگانی از قبیل قند و چایی و نمک و غیره محروم است دهاتی که هیچگونه آموزش و تحصیل ندیده و غیر از این ندیده که جان بکند و کار بکند در جامعه هم هیچ گونه ارزش برایش قائل نشوند در دست کدخدایا و زاندارم و ارباب هم اسیر مطلق باشد که هر طور دلشان خواست با وی رفتار کنند اگر گذارش هم بشهر افتاده اند گفته و منصرف اش کنند، دیگر این دهاتی باجه امیدی زندگانی خود دلخوش بوده بطور در کار خود میکوشد البته میگویم باید به بزرگی و آبادی دهات و کمی تفاوت میانه آنها با شهرها کوشید این است که باید بکوشیم در هر ده یک دبستانی يك محکبه برای یاد گرفتن سواد و رسیدگی بظلمات دهاتیان بنیاد بکساریم در هر دهی دکتری باشد که مجبور نشوند اگر بیماری داشته باشند بیرون ده دواخانه باشد که رفیع نیازمندی دهاتیان را بکند. همانطوریکه شهرها از برق و رادیو و سینما و سایر وسایل راحتی استفاده میکنند آنها نیز برخوردار باشند و وسایل بهداشت را در دهات فراهم آوریم تا کشاورزان ما تفرست و افراد سالم بشوند تا آنوقت دهاتی بدنه خود علاقمند شده و دیگر فکلی و کار گری در شهر را بدنه نشینی ترجیح نمیده و در آن موقع میتوان چشمه دشت این را

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

در هر حال آقای کسروی ما پیمانیان بیاری و پشتیبانی خدا و آن پا کرد ایرانی حقیقت را آشکار و این ملت آورده بشمار را اختیار خواهیم ساخت خدا با ما است. سمنان - ح ۵

آقای کسروی چه گذشته با دواقر از آقایان سنجان بدین یکی از اعضاء همانند که تازه وارد بود رفتم چون شهرتش پیمان بود پس از تفرقات معمولی پرسیدم از پیمانیان و نویسنده بیان اطلاعاتی داری - مانند همه که اظهار فضل و دانش و ادبست دارند جواب داد بلی - آقای کسروی نوشته پیمان را خوب می شناسم و ارادت بسزایی به مجله بیان دارم.

کم کم در اثر مذاکره عقیده شد آقا اصولا از مقاصد پیمانیان نا آگاه بوده و يك نفر شخص صوفی مسلک یا بهتر بگویم لاندگی (است. ضحنا از نقطه نظر صوفی منشی بخواهست بنده را هدایت نماید، میگفت صوفیگری سه مرحله دارد، شریعت طریقت، حقیقت و فلا من در مرحله حقیقت هستم بد می گفتم اصولا معاد و آخرتی نیست و هر کس پا دازد و کبر عیاش را در زندگی خواهد دید. بعد هم يك رباعی از خیام خوانده و بنای تعریف این مفاهیر مالی را گذاشت.

گویند مرا عذاب خواهی فرمود من در عجبم که این کجا خواهد بود آنچه که نوی می بیند و من می بیند و شعر می گویند و هو می کنند: ۱.

دو تن دیگر از کشتگان

ستوان یکم ابراهیم معشعی



ستوان یکم احمد حمزه



این دو تن جوان در شهریور ماه کشته شده اند ولی کشته آنها حوادث شهریور ماه بود. ستوان یکم احمد حمزه از افسران لشکر کرمانشاه بود که در جنگ با کرد ها در بیراهمون سقر در هشتم فروردین اسمال کشته شد. ستوان یکم معشعی از افسران لشکر قارس بود که در زد و خورد با اشرار منطقه نسا در دهم فروردین اسمال کشته گردید.

پیشرفت حقایق

آقای کسروی دارند نامه پرچم

کسانی در این کشور با قراغت و آسودگی زندگی نموده و خود را رهبر نموده معرفی کرده ولی بنا بطبع خاین خود در نهان و آشکاره می کوشند این ملت هر گز از خواب بیدار نشده و هواره آورده بدیده باشند تا ایشان حد اکثر استفاده را ببرند این قبیل اشخاص چون همیشه بتاریکی چوچ غلت نموده اند همینکه پرچم را می خوانند روشنی حقیقت چشم ایشانرا خیره نموده و نبی توانند آنرا درک نمایند لذا عصبی شده و زمین و زمان دشنام داده و بادارنده پرچم کینه میورزند از اینجاست که هو و جنجال بیان انداخته و میخواهد بدینوسیله آذهان عمومی را مشوب نمایند خرابیایان را که از زنهانی بیش زمین را برای مقاصد ایشان مساعد نموده اند بزرگترین رهبر جامعه شناسانده و از نامردانی که با اشعار بوچ خود این ملت را بدستی و کاهلی سوخته داده و باجالت بسیار کوشیده اند ما را بدین بی علاقه نموده و با

بقلم عطاءالله اشراقی

خانه فروشی یا تجارت نامشروع

در مقاله سابق ماشه ای از تبه کاری مالکین را بیان کردیم و گفتیم چگونه این جهات از بازار آشفته استفاده میکنند و روز بروز زندگی را بر مستاجرین تلخ و مشکل مینمایند. عده دیگر در همین گیرودار استفاده نا مشروع تر مینمایند و وضعیت منازل را بیشتر سخت و خراب میسازند اینان مشتی پول و سرمایه دار هستند که حرفه خود را خرید و فروش خانه قرار داده و در اثر همین دست بدست وزیر و رو کردن خانه ها بطور غیر طبیعی بهاء زمین و خانه را بالا می برند و بدینجهت در اینجاست که پول بانک رهنی بنفع اینان تمام میشود پول بانک رهنی فقط این عده را دستگیری و همراهی کرد کسانیکه ده الی بیست خانه داشته پول هنگفت گرفتند بقیه ای از مال الا چاره خانه پول بانک را باقسط دادند و بپول این بانک چندین ساختمان با شکوه بر آنچه داشتند افزودند. مقررات و شرایط بانک رهنی مشمول نیازمندان حقیقی نگردید و بالعکس ثروت ارباب مکتودر سینه کاران چند صد برابر شد تا کار بوضیعت امروزی رسیده که یک نفر پشت هم انداز چندین خانه و ساختمان دارد و با مال الاجاره امروزی هم هفته یک باغ و یک خانه خریداری میکند و یک توده مهم دنبال یک اطاف میدوید.

بانک رهنی میتوانست با مقررات ساده نری طریقه متوسط کارمندان دولت را خانه دار کند مثلا اگر بانک رهنی ۵۰۰۰۰ ریال یکی از کارمندان دولت بشرط خانه خریدن بدهد و باندازه مال الاجاره آن خانه مراد از حقوق آن کارمند بگیرد بعد از چند سال حساب بانک مستهلك و کارمند دولت صاحب یک منزل خواهد شد آیا در این فرضیه چه اشکالی در کار است؟ خواهید گفت شاید تا استقلال حساب صاحب خانه نتواند منزلا نگاهداری کند و بفروشد جواب این اشکال خیلی ساده است زیرا بانک خانه را برهن خود درمی آورد و از پیش آمد احتمالی این میشود خلاصه بانک رهنی میتواند بجای اینکه پول خود را سرمایه داران بدهد و آنان را برای مکیدن خون ضعیف آماده سازد هزاران تدبیر نیازمندان واقعی را صاحب خانه کند و در عین حال استفاده خود را هم بنماید ولی کیست که در فکر این گوته اصلاحات باشد؟

از مطلب خارج نشویم گفتیم دیگری از علل هرج و مرجی و ترقی روز افزون مال الاجاره خرید و فروش خانه شده است

برخی خود پرست با کمال بی شرمی و با شایعات بی اساس خانه ها را دست بدست نموده و بهاء زمین و مساکن را بالا میبرند

امروز خانه را بفان قیمت خریداری میکنند دو ساعت بعد با افرادی آن روز بیک برابر و نیم قیمتی که خریداری شده میفروشند.

در گوشه و کنار تهران ساختمان های خیلی مضحکی معمول شده و استفاده جوانان را در نظر گرفته برای ازدیاد ثروت بازی میکنند. در چهل متر زمین یک خانه دو طبقه در ظرف چند روز میسازند و به ۸۰۰ الی هزار ریال اجاره میدهند در صورتی که تمام صحن و بنا به اندازه یک اتاق معمولی نیست مختصر سخن اینکه آقای طباطبائی دوست برای اینکه سیصد تومان در ماه مال الاجاره دریافت کند یکصد متر زمین را سه حیاط میکند. اینها مالکین کشور ما هستند خوب دقت فرمایید آنان را بشناسید ملاحظه فرمایید مستاجرین توده ضعیف بی سرمایه ها، بی خانه ها با این آقایان مالکین باید چه کنند.

برای کشف حال و نحوه رفتار مالک با مستاجر حکایت رفیق خود را که در شب منزل نگذاشته نقل میکرد عینا حکایت میکنم:

« رفیق بنده میگفت در آخر کوچه چاه حصار خانه از آقای ت. که در همان کوچه پنج شش خانه و چندین دکان دارد بهائی ۵۶ تومان اجاره کرده ام چند وقت است مدت اجاره تمام شده آقای ت. بی کمال فشار میگویی یا مامی یکصد و چهل تومان مال الاجاره بپرداز یا تغلیه کن من با آقای ت. ق میکنم مگر چه شده که از ۵۶ تومان یک مرتبه مال الاجاره را به یکصد و چهل تومان میری؟

میگوید مگر نمیدانی که هر چیز تغییر کرده و بالا رفته است من چرا مال الاجاره را بالا نبرم من از املاک خود در روز فقط چهل تومان استفاده میبرم و با این گرانای روز افزون روزی چهل تومان برای من کم است علاوه خانه من فلا بیلیغ قابل فروش میروید اگر بفروشم و چند مفاز در لاله زار بخرم حتما دخل و عاید من زیاد تر خواهد شد من گفتن آقای ت. ق من یک نفر کارمند دولت هستم فلا ق حقوق زیاد شده مامی نود و پنج تومان و سی شاهی دارم و تو میگویی باید مامی یکصد و چهل تومان مال الاجاره بدهم پس تکلیف از چه قرار است؟ آقای ت. ق گفت آقا من سرم برو برگرد ندارد یا تغلیه کن یا همین مقدار که گفتم باید بدهی »

ترجمه آقای سید نصرالله سرور

گفتار پر فسور فوکس انگلیسی

یا شگفتیهای آفرینش

- ۲۹ -

فصل نهم

کبوتران قاصد

هنگامی که احتمال هست دشمن از یقینی که بوسیله سیم کشی معارفه شود استفاده نماید کبوتر را بکار و امیدوارند از یکطرف هم برای اینکه از انهدام اینگونه کبوتران جلوگیری شود فوکس را که یکی از پرندگان شکاری کباب انگلستان و کشتن آن در موقع صلح جرم است بایز میزنند. مسابقه پرواز کبوتران هنگام صلح یکنوع مشغولیت ورزشی است بدین طریق که عده کبوتر را در سبد بتقاطعی که بعضی اوقات صدها میل از خانه آنها فاصله دارد بوسیله ترن میبرند و وقتی بقصد رسیدن بیک پای کبوتر حلقه ای که بران شماره کرده شده است می بندند و اول صبح آنها را از سبد رد میکنند منظره پرواز این کبوتر ها وقتی از سبد بیرون میبرند دیدنی است، کبوتران برنده مسابقه و آتانی که نسبت بدیگران بهتر پرواز میکنند همان روز بخانه میروند.

اگر فاصله بین خانه کبوترها و نقطه شروع پرواز مسابقه زیاد باشد سبیده دم آنها را از سبد بر میدهند و بعد از غروب بزنل میروند - گاهی فاصله بین دو نقطه در اینگونه مسابقهها متجاوز از هفتصد میل است و کبوتران این فاصله را در یک روز طی میکنند - سرعت پرواز کبوتران زیاد است. در یک مسابقه دیده شده است کبوتری فاصله شصصد میل را با سرعت پنجاه و هفت میل در ساعت پرواز کرد.

بدیهی است سرعت پرواز او بیش از این هم بوده است زیرا کبوتر ببط مستقیم پرواز نمی کند. در اینگونه مسابقه ها وقتی کبوتر اولی بزنل میرسد شماره ای که بایش بسته است بیرون آورده در دستگاهی که موسوم به «ساعت مسابقه» است قرار میدهند و وقت معین ورود کبوتر و شماره مخصوص باو روی صفحه ای در این ساعت نقش می یابد.

مسلم است کلیه کبوترانی که در این مسابقه ها شرکت میکنند بخانه بر نمیگردند بعضی دیرتر حتی چند روز بعد از مسابقه بخانه خود میروند برخی کم میشوند و هر قدر فاصله پرواز زیادتر باشد عده کشته ها بیشتر می شود.

یک ثلث از کبوترانی که در مسابقه های طولانی شرکت میکنند مفقود میشوند و سبب این فقدان چند چیز است.

یکی اینکه بعضی از آنها توانایی انجام مسابقه را ندارند و بین راه خسته میشوند یا راه را کم میکنند بعضی به بر میخورند و مفقود میشوند زیرا کبوتر اگر فاصله دو یا سه میل از خانه خود با به بر خورد کند راه را کم میکند.

علت دیگر در رسیدن آنها این است که کبوتر طی مایل پرواز دست جمعی است و کبوتران مسابقه اغلب در راه بدسته دیگری بر میخورند و با آن ملحق میشوند و با آن دسته میروند طرز تربیت کبوتران برای پرواز مسابقه قرار ذیل است.

خانه فروشی

یک خانه در شهر ری دارای شش اتاق و زیر زمین و آشپز خانه و حوض خانه در شهر ری بفروش میرسد و نیز با خانه های تهران معاوضه میشود طالبین به تلفون شماره ۶۰۶۶ مراجعه نمایند.

۳ - ۱

دکتر گرانر

با داشتن ده سال سابقه و دیپلم عالی دکترای بیماری های جلدی و دیوی و کبد و مالاریا مخصوصا سوزاک مزمن و سلیس از ساعت ۳ الی ۷ به اظهار در خیابان سپه جنب چهارراه حسن آباد پدیرائی مینماید. ۶۰ - ۶۱ شماره ۹۹۸

داوری توده دنباله دارد

با آنکه باین رشته گفتارها پایان ندایم برخی باز نوشته هایی وسیده از چاپ آنها چشم پوشی روا نمی شماریم پیمان و پرچم را بخوانید و بر استی گفتارشان گردن گزارید من که نویسنده این گفتارم پس از آنکه بخواندن و نوشتن آشنا شدم بدو انگیزه آرزو میکردم که بشاعری معروف و بشعر ساختن مشغول باشم یکی آنکه بیشتر از کسان نزدیک شعر و در زمینه شعر و شاعری بگرد آردن کتب شعرا کوشش کرده بودند، و دیگری آنکه بعضی از دوس دوره تحصیلی من اشعار شعرا و وظیفه ام حفظ کردن آنها بوده است و غالبا آموزگاران و دبیران نام خیم و مانند او را بانگرم و تقدیس میروند و این دسته از شعرا را بنام مفاخر ملی بن و دیگر دانش آموزان معرفی میکردند و از این رو بکنه هدف خود را این قرار داده بودم که یکروزی مانند خیام باحافظ بتوانم شعر بگویم و یا در زمهره شاکردان آنان باشم و هیچ نیاندیشیدم که هر کاری باید برای سودی باشد.

از اینرو همیشه با صرف وقت و رنج فراوان مضامینی در «خیله پرورش میدادم و آنکه برشته نظم میکشیدم و بند یکی از خوشیام که در شبو شعرای پیشگام من بود میبرد تا آنرا به پیر آید و بیار آید و شبی خواب را بر خود حرام کردم و غزلی را سرودم و بامداد بیدار او بردم که بر حسب معمول آنرا آراسته و پیراسته نباید دهم برخلاف همیشه مرا از پیروی شعر و شاعری منع کرد و چنین گفت که من شعر ساختن را ترک کرده ام و دفتر اشعار خود را سوزانده ام من از گفته او متحیر و باور نمیکردم کسیکه همیشه با کتب شعرا مصاحب بوده و غزلهای شیوا ساخته بیکبار دست از شاعری

بطوریکه رفیق ما گفتگو میداشت آقای ت. ق. شخصی است ظاهر اصلاح شاید در این ماه روزه هم میگردد اما انصاف و جدان مشار الیه را ملاحظه کنید تا مدت اجاره بسر آمده مستاجر و مستاجر کرده که بجای ۵۶ تومان یا یکصد و چهل تومان در ماه بدهد یا حاج آقای ظاهر اصلاح مستاجر پول دار و نیازمند تری را پیدا کند و آنچه می خواهد از او دریافت دارد یا بفول خود خانه را بفروشد و چند مفاز در لاله زار بخرد بلکه استفاده بیشتری ببرد ما نمی دانیم دولت وقت کی خیال دارد در این کار عمومی و حیاتی ترتیب و اصلاحی بدهد تا کی روا دارد یکمشت بی و جدایت و بی رحم زندگی را بر مردم بیچاره تلخ و مکرر سازد؟

برچم



وزارت جنگ

دانشکده افسری

دانشکده افسری برای سال تحصیلی ۱۳۲۱-۱۳۲۲ عده داوطلب که واجد شرایط مشروطه باین باشند جهت سال ۱ افسری خواهد پذیرفت:

تابعیت ایران
صحت مزاج
تناسب اندام
نداشتن سوء پیشینه

سن کمتر از ۱۸ و بیش از ۲۵ سال نباشد.
دارا بودن گواهینامه شش ماهه متوسطه.

در طی دو سال تحصیلی کلیه مخارج داوطلبان (لباس نظامی - خوراک و غیره) بعهده ارتش بوده و به علاوه مافی دویست ریال حقوق دریافت خواهند نمود داوطلبان پس از طی دوره دانشکده افسری و اخذ گواهی نامه فارغ التحصیلی بدرجه ستوان دومی منتظر و از خدمت نظام وظیفه معاف خواهند بود.

داوطلبان جهت ثبت اسمی خود میتوانند از این تاریخ تا عصر روز شنبه چهارم مهرماه ۱۳۲۱ بدانشکده افسری مراجعه نمایند ولی پس از انقضای مدت معینه داوطلب پذیرفته نخواهد شد.

شماره - ۱۰۲۸

۵ - ۳

دانشکده افسری



وزارت جنگ

دانشکده افسری

بیرد آگهی های قبلی منتشره نظر به اینکه امتحانات مسابقه ورودی به سال تهیه دانشکده افسری در روز سه شنبه ۷ مهرماه ۱۳۲۱ شروع خواهد گردید علیهذا کلیه داوطلبان شرکت در امتحانات مزبور میبایست حد اکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه چهارم مهر ماه خود را بدفتر مدیریت دوس دانشکده افسری معرفی نمایند.

شماره ۱۰۲۷

۸ - ۳

دانشکده افسری

آگهی

نظر باینکه مقدمت توزیع برک جیره بندی شش ماهه دوم هنوز بطور کامل فراهم نشده لذا سهیبه قند و شکر مهر ماه و جای مهر و آبانیه شرح زیر تحویل خواهد شد.

۱ - شماره پنج برک جیره بندی شش ماه اول برای سهیبه جای دو ماهه مهر و آبان که عبارت از یکصد گرم جای خارجه و بیست و پنج گرم جای داخله میباشد اختصاص داده شده است. ۲ - شماره شش برک جیره بندی شش ماه اول هم مخصوص سهیبه قند و شکر مهر ماه و سهیبه هر فردی مثل گذشته شصصد گرم قند و دویست گرم شکر خواهد بود.

کوپتهای شهرپور ماه فقط تا باز دهم مهر ماه اعتبار خواهد داشت. ۲ - ۲ رئیس کل خوار بار کشور - اردلان شماره ۱۰۳۳ تلفون ۷۸۲۴ تهران خیابان شاه

بیمارستان رضا نور

سرویس جراحی - زایشگاه و امراض زنان - امراض داخلی - حلق و گوش و بینی امراض چشم تحت نظر متخصصین دایرواز مرزا پدیرائی مینماید بیماران بی بضاعت نیز کما فی الساق مجاهدتعالجه و بستری می شود پزشک نگهدار بیمارستان شیب نیز از برای مراجعات مرضا حاضر است. شماره ۲۰۳۳ تلفون ۷۸۲۴ تهران خیابان شاه

آگهی

اعیانی سه دانهک شماع از شش دانگ بکلیخانه و یکباب اطاف پلا کهای ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ واقعه در مسجد سلیمان بخش یک که پشت رسیده و در اجاره رسمی نیست ملکی آقای امیر احدی پور جهت استیفای طلب آقای سید فخرالین مفید طبق مقررات ماده ۳۴ قانون اصلاحی در روز سی و یکم شهریور ماه ۱۳۲۱ ساعت سه قبل از ظهر در شعبه اجرای این اداره بطور مزایده فروخته میشود مزایده از مبلغ - ۲۸۵۲ - ریال شروع (مالیات مزایده علاوه بر طلب بستانکار بعهده خریدار است) طالبین میتوانند در روز و ساعت مقرر در محل فروش حاضر و در خرید شرکت نمایند این آگهی در ظرف بیست روز سه مرتبه منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار آگهی نوبت سوم ۳۱ شهریور ماه - ۱۳۲۱

شماره - ۹۷۹ رئیس ثبت استان ششم - محمد حسن شاپوری

۱۷۵

آگهی

بتاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۰ - آقای امدالله امیر کبیری بوکالت از طرف ابراهیم ملک الکتاب باستاند یکبرک گواهینامه و سه برک رونوشت شناسنامه و وکالت نامه و یکبرک رونوشت خلاصه فوت دادخواست شماره ۲۹۲۱/۲۱۹۴ داده باینکه حسینی ملک الکتاب صاحب شناسنامه شماره ۳۴۰۹۱ در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۲۰ دوتهران جایگاه هیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به سه نفر پس بنام ابراهیم ملک الکتاب خیابانی شناسنامه شماره ۳۴۰۹۲ و اکبر ملک الکتاب خیابانی به شناسنامه شماره ۳۴۰۹۴ و عباس ملک الکتاب خیابانی شناسنامه شماره ۳۴۰۹۲ غیر از سه نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از استماع گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ملای بیکبار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا وصیت نامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ۲ - ۳ رئیس شعبه دادگاه بخش تهران - امیر هوشنگ سلطانلو ۹۷۹

آگهی مزایده

شش دانگ یکباب خانه تحت پلاک شماره ۱۷۳۶ واقع در بخش سه آبادان خیابان نهم احمد آباد که در جریان ثبتی است و در اجاره هم نیست ملکی آقای مؤمن علی مقولی زاده در قبال طلب بانو صفری سیاه زاده در ساعت سه قبل از ظهر روز سیام شهریور ماه ۱۳۲۱ در شعبه اجرای ثبت آبادان بیلغ ۶۴۱۳۰ ریال بابت اصل متن معامله و اجور عقب افتاده و خسارت دیر کرد و حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج شروع میشود مالیات حراج نسبت بمزاد طلب بستانکار بعهده خریدار است. طالبین میتوانند در روز و ساعت مقرر در جایگاه تعیین شده حاضر و در خرید شرکت نمایند این آگهی در ظرف بیست روز سه نوبت منتشر میشود تاریخ انتشار آگهی ۳۱ شهریورماه ۱۳۲۱ نوبت سوم ۳۱ شهریورماه ۱۳۲۱ رئیس آبادان و خرمشهر - روح الله کبای

۹۷۵



وزارت جنگ

دانشکده افسری

در باره

صوفیان سرچشمه باورها و با شرح داده بیابانی و نافروستی آن را با بل پیش آمده داستان «وحدت وجود» با «پایان یافته و نتیجه ای نداده» بلکه باید گفت هستی است و چیز دیگر نیست، و شش چو که ما خود خداییم و چیزی دیگر نیاز ندار این هست بودن ما یکپسندی فهمیده میشود جاییش اینجا نیست دانه انداده در میگردم این است چون کتابهاشان بخواند هر یکی این باورهای ایشان است. اما

زیستن ۳ - نان از دست دیگران خوردن که شما هر یکی از اینها را بگیرد بگناه پیشینیان اینها پرداختن بکاری سعید میگوید: بازار جایگاه شیطانی است نفس کند، و اگر یک کاری با پیشه ای نگرقتن اجباری نبوده ولی بیشترشان نیکو دست دیگران خوردن همگانی بوده. زیرا که چشم براه «احسان» و «صده» توانا گدایی کنند، و این را به تنها تنها نمیدانند نفس، آترا بزبان خود «ساع» مینامید آواز خوش شعرهای عاشقانه می خواند، همان کار را می کرده است.

از همینجا شافهم و دانش آن بیکاری سامان زندگی را بهم میزند. ندا مردی چون زن تکیه کرد باعث سیه روزی نشان بستی و زبویست و آب رو را می ریزد و تصدیق جز با هوس خود راه رفتن نیست شگفت اینجاست که ایشان که دادن بحد و کاستن از نیروهای تنی بخانه آسانی و خوشی برداشته اند، کیست که آواز و رقص لذت نبرد؟ اما زن نگر رنج خانه داری بوده، و گرته بیشترشان در شیوه ایشان بوده که برای هر کار زشتی یک و رختیابی پوشانیده اند. «چپال خدا در حسن خویش از روی خوبان آشکارا کرد» یکی از بزرگان صوفیان ابو - سماع گرم شمی پیران خود و خضار را نمودی چون شنگ بیداد رسید خلیفه پس را شیخ نمود گفتند که طریقه شیخ ایست. او میروم اگر اینگونه نسبت بن هر کس که را پاک گردانم و چون دوساع گرم گشت سهل است مرا بر سر خنجر بودن تو آمده ای که کافری را یکشی خلیفه زاده گریبان خود را درید گذاشتن نام «شاهنامه» و

و بی شرمیت از اینجا برخاسته است. ملاه را «شاهه راجایی» خوانده میگوید: با که توان گفت این سخن که نکارم حکیم گرد شکسته را ببینید که

اشار از کدام سرچشمه

آب میخورند؟ آقای کسروی

در شماره ۱۲۳ برچم نوشته بودید که از کدام سرچشمه آب میخورند من پس از خواندن آن براین شدم که برای پاسخ باین پرسش ضابطه کلی پیدا کنم و بنویسم تا اگر درست در برچم درج فرمائید و اتفاقا زبانی کار هار مرا از انجام این کار بازداشت و چون دیرو روز آذینه بود و بخواندن شماره شایه که برچم مشغول شدم بدین شماره رسیدم و برای دوباره دچار فراموشی نشود بدون درنگ خوا برداشتم و بنوشتن این نامه برخاستم و ضابط که برای برش بالا پیدا کرده ام این است بگویم همه اشار از سر چشمه کبیر ندیدن میخورند و برای اثبات این ادعا دلائل بسیاری می است مثلا فلان مرد در فلان محل سالها بنات تاراج و راهزنی مشغول و چون کارش بر سر کشیده و فریاد مردم با آسمان رسیده مورد توی دولتی واقع شده و پس از خونریزی هاد تسلیم گردیده و از راه چاره جویی و روائی غم دست کبیر فلان مامور متوسل گردیده و در خوا باین سوده و مامور طرف درخواست هم از راه و از راه تطبیع درخواست را بدینتر قاست و به هم قناعت ننموده در دستگاه دولت برای او پیدا کرده و حربه بآه ای برای تجاوز به و جان مردم بدست او داده و از این رو